



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۱۲/۱۶

نعیم بارز

ملت خوب دولت بد وجود ندارد!

چندی پیش در باره دولت – ملت نوشته ای از من در سایت وزین «افغان جرمن آنلاين» و «آریا نا افغانستان آنلاين» به نشر رسید، اما نمی شود در باب این مبحث مهم با یکی دو نوشته و ذکر تیوری های حاصل از تجارب غیر مستقیم جهان حق مطلب را ادا شده پنداشت، زیرا تکامل یا بهتر است گفته شود «فرگشت» هر جامعه بشری در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیازمند روند طولانی تاریخی می باشد و در این روند تاریخی بیشتر از هر چیز درک فلسفی علمی پر اهمیت است تا در پرتو آن علل و عامل اساسی عقب مانی را در زمینه های مختلف دریافت و کلیت جامعه را شناخت.

در جامعه افغانستان رویداد کودتا ها و جنگ های کور، کورانه جهاد یست ها در برابر تجاوز دولت روسیه شوروی و یا بر سر قدرت میان خود گروه های قومی و اخیراً «مقاومت ملی» به رهبری احمد مسعود مدعی میراث خوار جهاد بجا مانده از پدر که نه تنها کوچکترین امیدی را در جهت صلح و امنیت در ذهن انسان تداعی نمی کند بلکه ادامه ای آن به ترس و خطر تجزیه کشور دامن می زند.

این احمد مسعود تازه به دوران رسیده با وجود چند صبحی تحصیل در کشور انگلیس مثل یک «مترسک» یا به اصطلاح افغان ها «دار بازک» نقش پدر را بازی می کند، وی با اینگونه ژست گرفتن ها و سخن گفتن از مقاومت ملی، بسیار مضحک جلوه می کند، فکر میکنم بهتر بود این آقای احمد مسعود راه سینما و فیلم سازی را در پیش می گرفت، شاید شانس و موفقیت بیشتری نصیبش می شد.

وی که به پول زمررد و یا حمایت کدام کشوری بنام رهبر مصون و آسوده در تاجکستان بسر می برد و سفر های به روسیه، فرانسه و جاهای دیگر در پیش می گیرد، افراد وابسته اش با کشتن یگان طالب در جهل و فقر، دل خوش کرده طالبان را که چهلو پنج کشور طی بیست سال نتوانست شکست دهد. شکست داده و به رهبری دولت افغانستان خواهد رسید.

اما حیف است که به تاوان این نوع خیال پردازی ها حتی یک دره ای بیست و پنج کیلو متری پنج شیر به زعم خود شان دژ تسخیر ناپذیر را در وضعیت بی دفاعی قرار داده اند، که در نتیجه مردم بیچاره به قتل رسیده و حتی بعضاً زن بی دفاع پنج شیر و تاجیک ها مورد تجاوز جنسی طالبان قرار می گیرند. و با آن همه لاف و گزاف و ادعا قهرمانی در مدت بیش از یک و نیم سال نتوانسته اند از همان دره ای به اصطلاح تسخیر ناپذیر و از جان و ناموس مردم آن دفاع نمایند. پس چه رسد به تسخیر کلان شهر های کشور.

با اینحال بعضاً مدعیان روشنگری پس از سی، چهل سال زندگی در اروپا و امریکا و چشم داشت به جنگ و جهاد گاهی با نوشته های در سایت های اینترنتی و یا حضور در تلویزیون ها به دفاع از همان جهاد یست های خون آشام سخنرانی کرده و یا هم از طالبان به زعم خود شان با استدلال اینکه چند روزی امنیت برقرار کرده اند به تعریف و تمجید می پردازند.

آخر این چگونه «راه و روش گروه های اسلامی است؟» با آنکه از قرن ها بدین سو به غیر از اینکه خود رهبران جنگ و جهاد با هر نوع استفاده و به قدرت تکیه زده اند هیچگاه به مردم عام خیری شان نرسیده با این هم در اثر تلقین همین فرهنگ اسلامی و در فقر و جهل نگاه داشتن مردم را برای کشتن و کشته شدن بدنبال خود می کشند.

بی خدایان کمونیسم هم چندان فرقی با این رهبران جهاد یست ها ندارند، این ها که در همه جاه و در ملا عام حتی در پارک زرنکار شهر کابل روز ها در باب آزادی، برابری و عدالت اجتماعی گلو پاره میگردند ولی در نتیجه زمانیکه بقدرت رسیدند، تنتها جان و خرمن هستی مردم را به آتش کشیدند بلکه بر سر قدرت به جان هم نیز

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

افتادند، حفیظ الله امین، نور محمد تره کی را کشت و بیرک کارمل و دولت حامی وی حفیظ الله امین و دار و دسته اش را به قتل رساندند.

و باز هم معلوم نیست که برنامه آقای احمد مسعود و جهاد یست های دیگر چیست و حاکمیتی را که در پی آن هستند از چه نوع بوده و تفاوت آنها با نظام منحنط طالبانی در چیست؟ اصلاً در باره دولت آینده و تربیت افرادی که بتوانند در آینده نهاد های دولت شان را رهبری کنند نوشته ای بروی کاغذ و حرفی حسابی بزبان نمی آورند.

اما طالبان اقلماً این جسارت را دارند که آنچه در قرآن آمده به آن عمل می کنند ولی این را هم باید گفت: اگر اکنون طالبان کمی از پنج سال دور اول خود شان، نرمش نشان داده و گذشت می کنند بخاطر آن است که وقت کمایی کرده تا در قدرت ریشه گیرند، آنگاه ظالمانه تر از دور اول چهره واقعی اسلام را نشان خواهند داد. باز هم این نسبت به ریا کاری جهاد یست های دیگر خوب است چون چهره اسلام واقعی را به تصویر می کشند.

به حکومت جمهوری اسلامی شیعه ایران نگاه کنید که در مدت چهل و سه سال چه خیانت ها و جنایاتی را در حق مردم آن کشور روا داشته، اما همان مردمیکه علیه شاه ترقی خواه انقلاب کردند و آن را از کشور مجبور به فرار نمودند و روز ها و ماه ها و سال ها برای هر حرف خمینی و خامنه ای اشک ریخته و بدستور آنها از سر و جان گذشته اند، خوش بختانه اکنون دیگر مردم آن کشور آگاه شده و دریافته اند که با نظام اسلامی و مقدس سازی های رهبران منحنط از شر استبداد و فقر و فساد و بی عدالتی نجات خواهند یافت.

اخیراً از اعتراضات خیابانی همگانی در شهر های ایران پیداست که از عمر فلاکت بار جمهوری اسلامی چیزی باقی نمانده و این بار پس از بر اندازی رژیم جایش را نظام دیموکراسی سیکولار خواهد گرفت، در آن صورت نه تنها مردم آگاه ایران با داشتن منابع فراوان طبیعی مثل نفت و گاز و معرفت های علمی و اجتماعی به سرعت راه ترقی و پیشرفت را دنبال خواهند نمود و برای همیشه از شر و فساد نظام آخوندی رهایی خواهند یافت و همچو تحول بسیار مثبت و ریشه ای نه تنها بحال مردم ایران، منطقه بلکه بل اخص برای مردم افغانستان در همسایگی و هم زبانی و هم فرهنگی از هر نگاه تاثیر خوبی نیز خواهد گذاشت.

در مورد کشور افغانستان این پرسش پیش کشیده میشود: آیا آنهای که چیز فهم و تحصیل کرده و ادعای داشتن مسئولیت اجتماعی می نمایند، گاهی با خود اندیشیده اند که چرا به زعم خود شان از درون «ملت خوب» هر بار دولت بدتر از پیشتر بوجود می آید؟

چرا جوان تحصیل کرده ما چون احمد مسعود و یا کسی دیگری بدنباله رویی از پدران شان و جهاد یست های خون آشام و ویرانگر کور کورانه راه جنگ را دنبال می کنند که معلوم است نه تنها در چهل و سه سال اخیر بلکه از قرن ها بدین سو مردم در فقر و جهل و جنگ بسر برده و چیز بهتر بحال مردم و کشور حاصل نشده است؟

به اشاره باید گفت: تا ما به درک ریشه ای این همه جهل و فقر و جنگ و جدال مذهبی و قومی نرسیم به دولت خوب و با ثبات نخواهیم رسید و اگر خود سانسوری نکنیم میشود گفت عامل اصلی عقب مانی و جنگ و جدال تاریخی ما همین اسلام است نه مسلمانان، زیرا یک نمونه از بین کشور های اسلامی نداریم که سیاست خوب، اقتصادی پیشرفته و آزادی و فرهنگ مدرن از درون جوامع اسلامی جوشیده و به شکوفایی رسیده باشد.

اگر بعضاً کشور های اسلامی با زرق و برقی ناشی از عواید نفت و گاز دیده می شوند معلوم بوده که با سرمایه گذاری و علم و تکنالوژی غربی نفت و گاز شان استخراج و مورد بهره برداری قرار گرفته است ولی با آن همه ثروت حاصل از فروش نفت و گاز و قتی چاه های نفت و گاز شان رو به خشکی می روند توانایی سرمایه گذاری جدید و کار دانی لازم را خود ندارند که با کشف منابع جدید و استخراج و تولید آن بپردازند بلکه باز هم ناگذیر با کشور های غربی وارد معامله می شوند.

اگر سال ها آن همه ادعا ها و تبلیغات پر طمطراق درست می بود این همه جنگ و جنایت و فساد از دل و درون کشورهای اسلامی بوجود نمی آمد. باز هم به دولت اسلامی ایران نگاه کنیم با آنکه سال ها با لاف و گراف از امپراطوری فارس و تاریخ درخشان و مقدسات اسلام شیعه سخن گفته شده اما چه فساد و جنایاتی نیست که از سوی دولت جمهوری اسلامی در حق مردم آن کشور صورت نگرفته و نمیگیرد.

مگر خوشبختانه اخیراً پس از چهل و سه سال فکر میکنم دیگر عمر فلاکت بار رژیم اسلامی در اثر بلند رفتن آگاهی مردم و اعتراضات خیابانی وسیع زن و مرد به پایان خود رسیده و این امید را بوجود آورده که در آینده نه چندان دور بساط رژیم جمهوری اسلامی توسط مردم آگاه آن کشور برای همیشه برچیده شده و در گودال تاریخ سپرده خواهد شد که دیگر امکان تبارز چنین حکومت منحنط و فاسد اسلامی نخواهد بود.

هر گاه بعد از سقوط رژیم جمهوری اسلامی دولت دیموکراسی سیکولار در ایران بوجود آید که بی تردید خواهد آمد آنگاه مثل فرانسه، سوئیس و غیره که در اثر مبارزه آگاهانه به دیموکراسی، آزادی و پیشرفت های علمی و صنعتی رسیده اند چون اولتر از همه کار سیاست را جدا از دین کردند و کار کلیسا ها را محدود به اخلاقیات و کمک های اجتماعی نمودند، بدین ترتیب تصور نمی رود که بار دیگر از داخل این کشور ها و ملت های آگاه دولت بد و خلاف خواست مردم به میان آید.

شاید در این ارتباط سوالی پیش آید که پس چگونه از درون ملت المان و ایتالیا نظام نازیسم هیتلری و فاشیسم مسوولینی بوجود آمد؟

در پاسخ می توان گفت: عامل اول این بود که: در آن زمان که کشور های مذکور مثل انگلیس فرانسه و غیره هنوز دیموکراسی آزادی و احزاب سیاسی در کشور های شان به پختگی و قوام لازم نرسیده بودند. عامل دوم وقتی المان، ایتالیا، جاپان و غیره در راه رشد اقتصادی قرار گرفتند متوجه شدند که قبلاً دولت بریتانیا و فرانسه جهان را تسخیر و بین خود تقسیم نموده اند و چیزی بنام بازار آزاد برای خرید مواد خام ارزان و فروش تولیدات صنعتی که لازمه رشد اقتصاد و تجارت است وجود ندارد، زیرا شکل انحصاری را بخود گرفته بود و از سوی دیگر نیاز هر جامعه سرمایه داری ایجاب می کرد که این موانع را از سر راه خود بر دارد از این بابت بود که المان و ایتالیا در جهت زمینه سازی فکری و تقویت زراد خانه های نظامی شان شده تا آن موانع را از سر راه شان بردارند. البته در این جهت کشور جاپان و بعضی کشور های دیگر نیز بی تمایل و بی تفاوت نبودند. لذا عامل جنگ اول و دوم جهانی بیشتر از هر دلیل و انگیزه دیگر ناشی از همان دو عامل اساسی بوده که به آن اشاره شد.

اینکه چرا افغانستان با وجود آزمودن نظام های مختلف مثل دیموکراسی دوران ظاهر شاه و نوع نظام جمهوری داود خان، کونیسیم نوع روسیه شوروی و اسلام رنگارنگ جهادیسیت ها و اسلام طالبانی و بیست سال اخیر نظام دیموکراسی به حمایت غرب و امریکا همه و همه نتوانسته باعث پایان یافتن جنگ قدرت و تأمین امنیت و ثبات کشور شود واضح است که گذشته از دلایل داخلی، منطقه ای و جهانی آنچه از میان همه ای مسایل عامل باز دارنده تحول مثبت و ثبات، امنیت و حرکت جامعه بسوی آزادی و بالندگی شده نه تنها در چهل و پنجاه سال اخیر بلکه پیش از هزار سال تاریخ کشور را در بر گرفته است. هر گاه چند صباحی کشور به ثبات نسبی رسیده زیاد دوام نیاورده که زمینه رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی لازم فراهم گردد.

متأسفانه در این ارتباط چیز فهمان و به اصطلاح روشنفکران ما همواره از قدامت تاریخی و فراز و نشیب تاریخ کشور به وفور سخن گفته اند و بعضاً ریا کارانه بد نباله رویی از دوکان داران دین سخن گفته و یا با خود سانسوری قلم فرسایي نموده اند و حتی کسانی که در رشته های مختلف مسلکی به سویه دوکتورا در غرب تحصیل کرده و با مصونیت در اروپا و امریکا بسر می برند تا کنون در هیچ زمینه به یک نقد علمی همه جانبه که در اذهان مردم جرقه خلق کرده باشد دیده نشده و از اینجاست که برای بار دوم نظام طالبانی سماق گونه در کشور تبارز کرده است.

پایان